

# از آغاز با تو پسایک

■ نوشته: فیلیپ بلاول  
 ■ ترجمه: فرزانه طاهری قندهاری

«حاصل حرکت آزمایشی جهت سازماندهی کتابخانه‌ای زیر نظر شارل پنجم<sup>۳</sup>، در قرن چهاردهم میلادی، تا آفرینش کتابخانه جدید فرانسه، مجموعه‌ای از بناهای عمومی است در خیابان ریشولیو<sup>۴</sup> و محله تولییاک. فیلیپ بلاول حکایت این مؤسسه را بیان می‌کند، که جایگاه تمامی میراث روشنفکرانه ما است.»

تاریخ کتابخانه ملی فرانسه (BNF)<sup>۵</sup>، با عشق به کتاب و سهم شدن پادشاهان فرانسه در آن شروع می‌شود: کسانی مانند کارولین ژبان<sup>۶</sup>، و به خصوص لویی نهم<sup>۷</sup>، که از مجموعه داران و مشتاقان نسخه‌های خطی گران بها بودند. اما از آن هنگام که این مجموعه‌ها با مرگ مالکانشان برچیده شدند، در عمل روشن شد که مجموعه‌هایی گذرا و میرا هستند.

اولین تلاش واقعی برای سازماندهی یک کتابخانه به روشی معقول و منطقی به دوره شارل پنجم به سال ۱۳۶۸ م. باز می‌گردد. وی تصمیم گرفت نسخه‌های خطی مجموعه شخصی خود را در برج مخصوص مجهزی واقع در لوور<sup>۸</sup> قرار دهد. هر چند این مجموعه از فراز و نشیب‌های جنگ‌های صد ساله جان سالم به در نبرد، اما با پایان قرن ۱۴ میلادی، یک رسم پذیرفته شد، بدین معنا که کتابخانه‌ها تحت حمایت شاهان قرار گرفتند، و مؤسسه، تأسیسات و سازماندهی آنها مسئله دولت و حکومت‌ها شد. جای تعجب است که امر افتتاح یک کتابخانه سلطنتی دائمی به دوران حکومت لویی یازدهم برمی‌گردد (۱۴۸۳-۱۴۹۳ م.)، زمانی که قدرت، نوگرایی و تمرکز حکومت در عتفون جوانی خود بود. این حرکت از دوره لویی یازدهم تا حال تداوم پیدا کرده است، و به طور کلی جدا از گرایش‌های روشنفکرانه و یا ارزش مادی هر اثر خاص، این گونه کتابخانه‌ها دارای مجموعه‌ای منحصر به فرد و ارزشمند شده‌اند. مجموعه کتابخانه ملی فرانسه بخش اعظم گنجینه خود را مدیون قانون «حق مؤلف» می‌داند، قانون مونت پلیه<sup>۹</sup> به وسیله فرانسوای اول<sup>۱۰</sup> در ۲۸ دسامبر ۱۵۳۷ م. اعلام شد. بر اساس این قانون «هر کس کتابی در قلمرو پادشاهی منتشر کند، باید نسخه‌ایی از آن را به کتابخانه سلطنتی واگذار نماید.» آیا این روشی ساده برای غنا بخشیدن به کتابخانه حکومتی بدون صرف هزینه‌های بالا نبود؟

به هر دلیل، این قانون یک نقطه ثقل اصلی و بنیادی بود، یک انقلاب واقعی: به یمن این قانون کتابخانه سلطنتی جایگاهی ممتاز پیدا کرد که تمامی نوشته‌های ملی تولید شده در آن نگهداری می‌شد. جایگاه آثاری از همه نوع (ادبیات، هنر، ... و غیره)، از آن

به بعد در بسیاری از شاخه‌های علوم، کتابخانه عصری بنیادی از میراث گردآمده و سندی بی‌همتا از معرفت و دانش بشری بود.

این قانون از دوره فرانسوای اول به اجرا گذاشته شد. البته تنها با یک وقفه کوتاه از سال ۱۷۹۰ م. تا ۱۸۱۰ م. (روش واگذاری اختیاری از سال ۱۷۹۳ م. به بعد دوباره ایجاد شد). واسپاری به تدریج به کلیه رده‌ها و انواع اسناد چاپ شده، و در این اواخر، به منابع دیداری - شنیداری تعمیم داده شده است.

آخرین بندی که در ۲۰ ژوئن ۱۹۹۲ به قانون مونت پلیه اضافه شد، حتی اسناد الکترونیکی و رقمی شده را، همانند برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در بر می‌گرفت. به طور خلاصه امروزه، هر گونه رسانه متنی که توسط بشر برای رساندن و شناساندن افکارش به مردم یا انتقال دانش او به کار گرفته شده، حفظ و نگهداری می‌گردد. اغراق نیست که اگر گفته شود قانون واسپاری یکی از مهمترین کمک‌های فرانسه به حفظ میراث فرهنگی بشر است. اما توسعه پیوسته مجموعه‌ها متأثر از ادامه افزایش همزمان به شیوه‌های سنتی همانند آرث، خرید، اهدا، ... یا حتی غارت و چپاول نیز بوده است. این رشد و توسعه روزافزون منجر به طرح سریع مسئله جا و مکان شد. و به مرور، کتابخانه پیوندهای خود را با دربار گسست و در مقابل استقلال خود را افزایش داد و مبدل به وسیله‌ای آماده پژوهش جهت خدمت به دنیای علم شد.

فرمانروایان فرانسه خیلی زود آمادگی شریک کردن علاقه‌مندان را در گنجینه‌ها پیدا کردند. در دوره فرانسوای اول، روبراتین<sup>۱۱</sup>، مخصوصاً از مجموعه‌ای نام می‌برد که پیش از این آزادانه در دسترس همه بود به نام «برای هر کس که به آن نیاز دارد». اما هنگامی که در اواخر قرن ۱۶ میلادی کتابخانه از اقامتگاه سلطنتی واقع در دره لوار<sup>۱۲</sup> و منطقه‌ای در اطراف پایتخت به پاریس منتقل شد، روند کار غیر قابل برگشت بود. از آن به بعد، مسئله تأسیسات، بناها و رشد مجموعه‌ها از دیگر وظایف جدیدشان منفک نبودند.

کتابخانه ابتدا در کارتیبه لاتن<sup>۱۳</sup> جا می‌گرفت، در میان دانشجویان و محققین، سرانجام در سال ۱۶۶۶ م. از رودخانه، سن گذشت و تحت نظارت و راهنمایی ژان باپتیست کولبر<sup>۱۴</sup>، مدیر بناها و سرپرست کتابخانه سلطنتی، به بخشی از پاریس در سمت راست رودخانه سن منتقل شد. و چقدر کتابخانه خوش اقبال بود، که وظایف آن بین دوستان پرشور کتاب و مجموعه‌داران تقسیم شد. کولبر از صرف هیچ هزینه‌ای دریغ نکرد و جستجوهایش جهت تأمین منابع منجر به تشکیل



کتابخانه‌ای وسیع، کمیاب و خارق‌العاده شد. کولبر از شبکه‌ای حساب شده برای غنابخشیدن به مجموعه‌ها استفاده کرد و خریدارانش را به چهار گوشه جهان فرستاد. به دلیل حضور کولبر، تعداد نسخه‌های خطی در کتابخانه دو برابر، کتاب‌ها چهار برابر، و تالار مدال‌ها دارای بهترین مجموعه مدال شد. با گسترش خارق‌العاده مجموعه، موضوع توسعه بنای کتابخانه در اولویت قرار گرفت. و در عمل خیلی زود معلوم شد که بناهای الحاقی خانه‌ای اعیانی در خیابان و یویین<sup>۱۵</sup> که تحت نظارت کتابخانه قرار گرفته بود، دیگر کفایت نمی‌کند. چند طریق جهت تغییر مکان کتابخانه در اواخر قرن ۱۷ و اوایل قرن ۱۸ میلادی پیشنهاد شده، اما مؤثر واقع نشد. تا آنکه فردی مهم حضور پیدا کرد - بینانگذار واقعی کتابخانه نوین - پدراژان - پل بینیون<sup>۱۶</sup>. کسی که به عنوان کتابدار شاه در سال ۱۷۱۹ م. منصوب شده بود. آنچه را که او مدیریت و جمع‌آوری کرد میبوت کننده است. در حلقه اول به عنوان یک سازمانده - او یکی از کسانی است که مجموعه‌های گسترده کتابخانه را به بخش‌هایی جداگانه تفکیک کرد (کتاب‌ها، نسخه‌های خطی، مدال‌ها، ...)، هر بخش به وسیله یک سرپرست اداره می‌شد. کسانی که در سال ۱۷۹۵ م. هر کدام یک کتابدار شدند. این تفکیک کتابخانه به واحدها و بخش‌ها بدون تغییر تا کنون باقی مانده است. او یک پیمانکار نیز بود - در سال ۱۷۲۱ م. بینیون کتابخانه را به بنای فعلی آن نزدیک هتل کولبر منتقل کرد. در ابتدا کتابخانه مجموعه‌ای از چند بنا بود که هیچ‌کدام حتی بزرگترینشان برای کتابخانه مناسب نبودند.

نگارخانه پاله مازارن ۱۷ به وسیله مانسار ۱۸ ساخته شد. پدراژان دو معمار بزرگ به نام‌های روبر دوکوت<sup>۱۹</sup> و پسرش ژول روبر<sup>۲۰</sup> را برای تبدیل این بناهای متفاوت و ناهمگون به یک جایگاه مناسب برای کتابخانه‌اش فرا خواند. ساخت سردر شکوهمند مشرف به دو سوی حیاط کنونی را به آن دو مدیون هستیم. و سرانجام پدراژان فهرست‌نویس بزرگی نیز بود - در سال ۱۷۹۳ م. او پادشاه را با اولین جلد از فهرست کتابخانه مواجه کرد که به وسیله سرپرست‌های هر بخش جمع‌آوری شده بود. مشخصه‌ی بدیع این فهرست آن بود که پدراژان تنها آن را به عنوان یک سیاهه از موجودی و یا طبقه‌بندی گنجینه‌های روش‌مند کتابخانه‌ای تنظیم کرده بود، بلکه به رشد روزافزون نیازهای همگانی و اشتیاق برای دستیابی به اطلاعات و منابع مطالعاتی نیز توجه کرده بود. در سال ۱۷۲۱ م. زمانی که کتابخانه در بنای جدید خود مستقر

شد از طرف دستگاه سلطنت حکمی صادر شد مبنی بر اینکه کتابخانه نه تنها برای محققین، بلکه یک روز در هفته برای عموم از ساعت ۱۱ صبح تا ۱۰ بعد از ظهر باز باشد.

وقتی پدراژان در سال ۱۷۴۱ م. بازنشسته شد کتابخانه تقریباً شکلی که خود را به دست آورده بود. اگر خلاقیت این کتابدار برجسته چنین تأثیری تا به امروز بر ما می‌گذارد به دلیل اولین برخورد او با کلیه جنبه‌های بنیادین نگهداری کتابخانه است (مجموعه‌ها، بناها، مراجعان گوناگون و تجهیزات). همچنین ضرورت ساخت بنای جدید تا طرح تولییاک - میتران یعنی ۲۵۰ سال بعد دیگر مطرح نشد. آثار مثبت نظام یکپارچه‌ای که پدراژان پس از خود به ارث گذارد زمانی آشکار شد که زمامداران وقت مجبور شدند با گسترش بی‌وقفه‌ای که در تمام طول قرن ۱۸ میلادی ثابت مانده بود، اما در دوره انقلاب و امپراتوری سرسام آور شده بود، دست و پنجه نرم کنند. دوره انقلاب با موج‌های مصادره‌ها بی‌تردید دوره‌ای بود که حجم مجموعه‌ها را به بیشترین حد خود افزایش داد. با نام‌گذاری اخیر، «کتابخانه ملی» کتابخانه مخزن موجودی دانش و معرفت بشری شد که مشتمل بر گنجینه‌هایی از سنت

شاپل و سنت ۲۱ - دنی<sup>۲۲</sup>. مجموعه‌های اختصاصی مصادره شده در ورسای متعلق به شاه و دیگر اعضاء خاندان سلطنتی، به علاوه مجموعه مهاجران و پناهنده‌ها بود. چند سال بعد، بیش از ۲۵۰ هزار کتاب، ۱۴ هزار نسخه خطی و ۸۵ هزار کتاب چاپ سنگی وارد مخزن کتابخانه واقع در خیابان و یویین شد. به دلیل پشتکار چشمگیر مدیران کتابخانه ملی، که یکی از آنها به ژوزف وان پرائه<sup>۲۳</sup> مشهور بود، کسی که مخزنی در بخش کتاب‌های چاپی برای نگهداری کتاب‌های نایاب و ارزشمند به وجود آورد که تا به امروز این مجموعه حفظ شده است.

همچنین آثار بی‌شماری از متصرفات پادشاهان مصادره شد، اما در سال ۱۸۱۵ یعنی زمانی که خسارات مطالبه شد.

مشکل‌ترین وظیفه کتابخانه یعنی سرعت بخشیدن به امر جمع‌آوری اسناد ارزشمند به او محول شد. تا جایی که وان پرائه و همکارانش زمان کافی برای تهیه فهرست داخلی نداشتند. به همراه سیل عظیم آثار، مشکل فضا یکبار دیگر خود را نشان داد. انتقال به بناهای بزرگ دوباره در طول اولین دهه قرن ۱۹ میلادی مورد بحث و مجادله قرار گرفت. به علت فقدان راه حلی

بهرتر و مناسب، یک کمیته توسط ناپلئون سوم و به ریاست پرسپرمریمه<sup>۲۴</sup> در سال ۱۸۵۷ تشکیل شد، و سرانجام تصمیم گرفته شد مکان فعلی کتابخانه حفظ شود، اما اجرای یک برنامه گسترش اساسی جهت حفظ و نگهداری مجموعه کتابخانه مد نظر قرار گیرد.

ساخت و ساز از سال ۱۸۵۹ تا ۱۸۲۷ به طول انجامید و نتیجه آن بنایی است که ما امروزه در خیابان ریشولویو می‌شناسیم. یک تالار مطالعه بزرگ با گنجایش ۳۶۰ نفر به قسمت جنوبی «دوکوت»<sup>۲۵</sup> حیاط اصلی اضافه شده بود. این تالار توسط معماری ماهر به نام هانری لایروس<sup>۲۶</sup> طراحی گردید. این تالار هنوز به عنوان یک شاهکار در معماری کتابخانه‌ای به سبب زیبایی شکوهمند، تناسب دما، حال و هوای متفکرانه و تجهیزات کارآمد آن مورد توجه است.

طبق حکم سلطنتی صادر شده در ۱۴ جولای ۱۸۵۸ این تالار جدید به کسانی اختصاص یافت که کارهای تحقیقی جدی آنها به کتابخانه راه پیدا می‌کند. بنابراین اعلام شد وظیفه کتابخانه انجام مطالعات و تحقیقات عالمانه است. حکم سلطنتی همچنین از افتتاح تالاری در همجواری تالار جدید برای عموم مردم خیر می‌داد. جایی که به روی تمامی مراجعانی که کمتر اهل مطالعه هستند و کسانی که نیازشان به قدر کفایت یا مجموعه‌ای از ۳۰ تا ۴۰ هزار کتاب مرتفع می‌گردد باز باشد. این نقل قول اشاره به ارزشی دارد که پس از سال‌ها در سازماندهی دو سطح در بنای تولیباک عیناً منعکس شد - با تعداد کتاب‌هایی بیشتر - بیش از صد سال بعد؛ طبقه هم سطح باغ در بنای جدید تولیباک برای پژوهشگران در نظر گرفته شد و طبقه فوقانی باغ به روی عموم مردم باز شد، البته مشروط به در دسترس قرار گرفتن مجموعه‌ای مستقل از آثار انتخابی که از میان تمامی رشته‌های علوم انتخاب شده است.

در این فاصله برای دسترسی به اکثر آثاری که در طی دهه‌های گذشته جمع‌آوری شده، نظرها همچنان بر روی طبقه‌بندی متمرکز ماند و برای ایجاد تحولی بزرگ در تاریخ کتابخانه شیوه منظم جهت طبقه‌بندی منابع اتخاذ شد. لئوپولد ذیل<sup>۲۷</sup> کسی که مدیریت کتابخانه را از سال ۱۸۷۴ تا ۱۹۰۵ به عهده داشت، تهیه فهرست عمومی کتاب‌های چاپی را به راه انداخت که اولین جلد آن در ۱۸۹۷ منتشر شد. اما تا سال ۱۹۸۱ جلد آخر این فهرست منتشر نشد. حتی پس از آن نیز ناقص بود، اما ظاهراً این کار طولانی با جانشتین شدن سیستم‌های رایانه‌ای تمام شد.

طولانی نکشید که مشکل فضا دوباره خود را نشان

داد. قانون واسپاری مخصوصاً بعد از الحاق بند واگذاری اجباری کتاب‌های چاپی در سال ۱۹۲۵ به طور روزافزونی مدنظر قرار گرفت. کتابخانه خود را با برنامه‌ها و تجهیزات فن‌آوری تکنولوژیکی نوین مجهز کرده و از آن به بعد کلیه منابعی که اندیشه بشری را توصیف و دانش را گسترش و اشاعه می‌داد، در برگرفت و بخش‌های جدید بر الگوی نخستین پدر بینون اضافه شد: کتابخانه مدارک ملی (۱۹۲۸)، بخش موسیقی (۱۹۲۴) و بخش نشریات (۱۹۴۵).

اما ضرورت داشت کلیه این بخش‌ها جایگاهی برای استقرار داشته باشند. به علت فقدان بودجه، سرپرست‌های متعددی که پی‌در پی منصوب می‌شدند مجبور به چاره‌اندیشی‌های موقتی بودند. ژولین کن<sup>۲۸</sup>، نامی‌ترین مدیر کتابخانه از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۴، مبارزه کرد، مبارزه‌های خستگی‌ناپذیر با بناهای موجود برای جبران کمبودهای بیش از حد مخزن یا فضای مطالعه، وی گریزی از بکارگیری بناهای الحاقی نداشت. یکی از این بناها به عکس بنای اصلی رو به کوچه لووآ<sup>۲۹</sup> و دیگری در خیابان ورسای ساخته شده بود. و زمانی که بعد از ساخت و سازهای طولانی تالار اوول<sup>۳۰</sup> سرانجام در سال ۱۹۲۵ کامل شد. به جای اینکه برای تالار مطالعه عمومی به کار گرفته شود، در پیروی از حکم سلطنتی صادره در ۱۴ جولای ۱۸۵۸، مجبور شدند تالار را به نشریات اختصاص دهند. تا تالار لایروس را از ازدحام منابع آزاد سازند و مجدداً بازگشایی کتابخانه به روی عموم به طور موقت به تأخیر افتاد.

همه این تلاش‌ها و این‌ها، برای ایستادگی در مقابل فشار کوبنده رشد تصایح مجموعه‌ها و مردم کافی نبود. تنها راه حل فروتنانندن ساخت و سازها، ساخت یک بقای جدید بود. ژولین کن استفاده از فضایی را که با انتقال بازار میوه و تره بار به خارج از شهر پاریس در دسترس قرار می‌گرفت پیش‌بینی کرد. این طرح به وسیله جانشتین او دنبال شد و نتیجه آن ایجاد کتابخانه‌ای عمومی در مرکز فرهنگی ژرژ پمپیدو بود که در سال ۱۹۷۷ گشایش یافت. هر چند با اجرای این طرح مشکل دسترسی عموم به منابع مطالعاتی به طور موقت حل شده بود، اما مسئله مکانی برای مجموعه‌ها هنوز بی‌پاسخ مانده بود. از این رو اندیشه ساخت دومین کتابخانه ملی به وسیله گروهی از مدیران حمایت شد و سرانجام در اوایل سال ۱۹۸۸ با پیشنهاد مصرانه امانوئل لورو آلدوری<sup>۳۱</sup> که در سال ۱۹۸۶ به مدیریت کتابخانه منصوب شده بود؛ وزارت فرهنگ امر احداث بنای جدید را در اختیار خود گرفت.

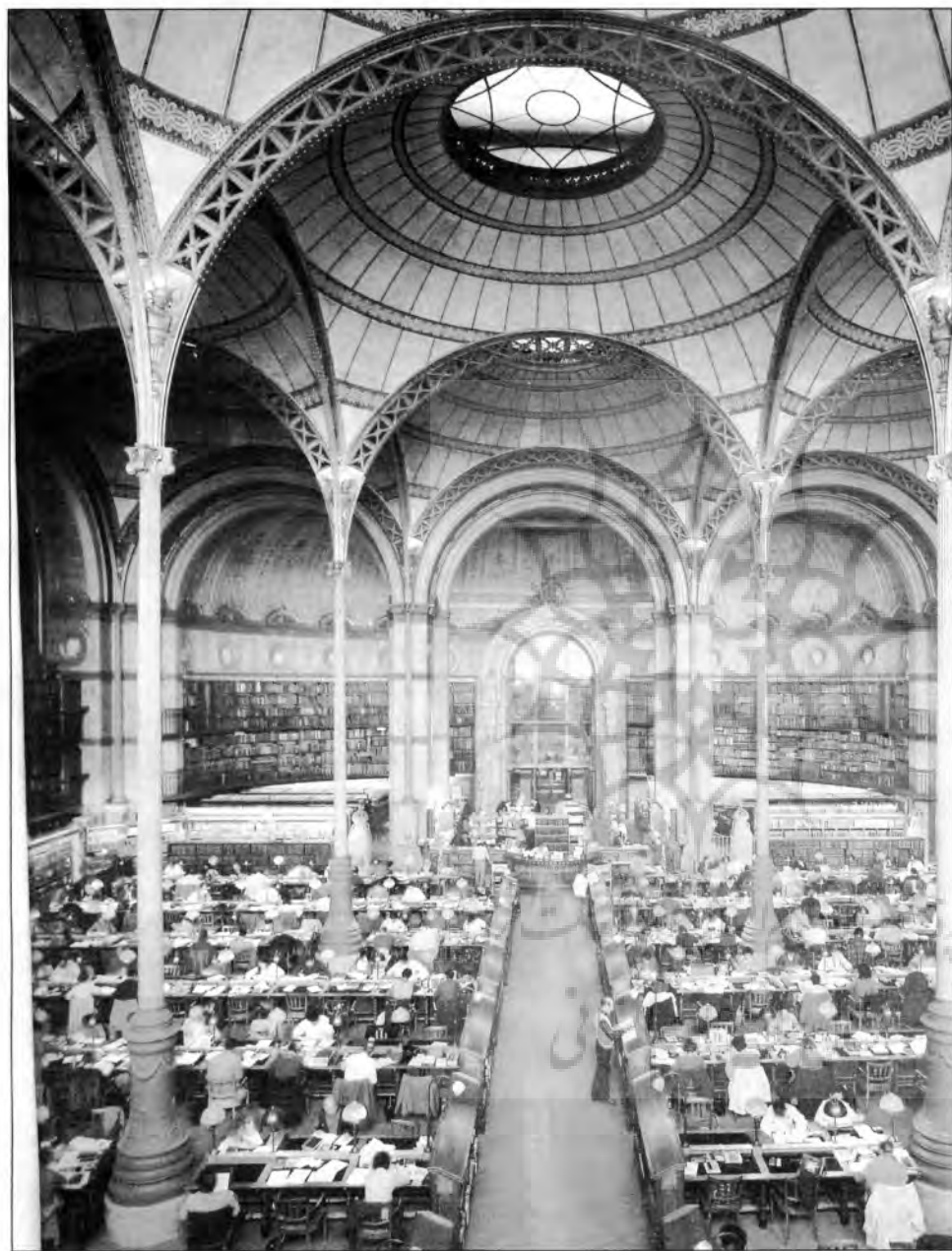
چند ماه بعد از انتخابات ریاست جمهوری، واقعه

غیرمترقبه‌ای رخ داد، زمانی که فرانسوا میتران ساخت و سازماندهی بزرگترین و مجهزترین کتابخانه در جهان را اعلام کرد، همه غافلگیر شدند. چند هفته بعد مطلع شدیم که این کتابخانه قصد دارد کلیه رشته‌های دانش بشری را پوشش دهد، به روی عموم باز باشد، از آخرین فن‌آوری اطلاعات استفاده کند، بهره‌گیری از سیستم ارتباط راه دور را پیشنهاد می‌کند و به سایر کتابخانه‌های اروپایی متصل خواهد شد.

در زمان این اعلام، امکان نداشت ریاست جمهوری مشکل دیرینه ازدحام در کتابخانه ملی را در تصور داشته باشد. اولین اندیشه او به وجود آوردن مرکزی وسیع برای فهرست‌نویسی، تقسیم اطلاعات به شکلی تازه و در دسترس قرار دادن سرویس ارتباط پیوسته با تمامی فهرست‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی بزرگ بود. اما در عمل معلوم شد تردید بین کتابخانه‌ای بدون کتاب و کتابخانه‌ای به شکل قدیم عمری کوتاه دارد. در ۱۲ آوریل ۱۹۸۹، زمانی که کابینه دولت به رئیس طرح پرداخت وضعیت روشن شد: کتابخانه جدید بر مبنای مجموعه آثار چاپی و منابع دیداری - شنیداری بنا خواهد شد که توسط کتابخانه ملی از سال ۱۹۴۵ جمع‌آوری شده است. کتابخانه ملی به قیمت جداسازی مجموعه‌هایش از آثار چاپی، ملزم به گسترش شد. جداسازی آثار چاپی از مجموعه‌های دیگر کتابخانه ملی از سوی بسیاری عملی نادرست به لحاظ علمی بود. که مراجعان را با مشکلاتی غیرضروری در پی‌گیری تحقیقاتشان مواجه می‌ساخت.

در ۲۱ اگوست ۱۹۸۹، ژاک لانگ<sup>۳۲</sup> وزیر فرهنگ اعلام کرد که ده میلیون کتاب چاپی که در بنای خیابان ریشولویو قرار دارد به محل جدید منتقل خواهد شد. و بدین ترتیب نحوه تقسیم‌بندی جدید مجموعه‌ها در محل‌های مختلف روشن شد: کتاب‌ها، نشریات، منابع دیداری - شنیداری باید به تولیباک منتقل می‌شدند، و نسخه‌های خطی، کتاب‌های چاپ سنگی، عکس‌ها، نقشه‌ها و طرح‌ها، سکه‌ها و مدال‌ها، موسیقی و هنرهای نمایشی (هر چیزی که زیربخش مجموعه‌های ویژه قرار می‌گرفت) در محل خیابان ریشولویو باقی می‌ماند و می‌توانستند چشم به گسترش آتی آن داشته باشند.

مسابقه بین‌المللی طرح معماری برای کتابخانه جدید در محل تولیباک برگزار شد. ۲۵۰۰ نفر در این مسابقه شرکت کردند که فقط ۱۰ نفر از آنها فرانسوی بودند، اما سرانجام برنده توسط فرانسوا میتران انتخاب شد، او یک معماری ۳۶ ساله فرانسوی به نام دومینیک پیرو بود. طرح او چهار برج «۱۱» شکل (برج‌ها به



صورت کتاب‌هایی باز که به صورت عمودی ایستاده باشند طراحی شده بودند. مشرف بر محوطه‌ای وسیع برای رفت و آمد بود. که در وسط آن حفره‌ای قرار داشت برای ساخت باغ مرکزی بزرگی جهت تأمین نور اتاق‌های مطالعه‌ای که در طبقات پایین قرار گرفته بودند. در ابتدا با طرح برخورد خوبی شد، اما به زودی تردیدها آغاز شد: آیا مطالعه‌کنندگان در اتاق‌های مطالعه احساس نمی‌کنند در محوطه بسته‌ای در زیرزمین هستند؟ آیا با مجاورت و نزدیکی به رودخانه سن آب به داخل ساختمان نفوذ نمی‌کند، یا حتی با خطر طغیان آب روبرو نمی‌شود؟ و آیا شیشه‌های ترانسپرنس برچ‌ها برای مخازن کتاب مناسب است؟

تأمل بر روی این نگرانی‌ها، یکی پس از دیگری، بی‌اساس بودن آنها را مشخص ساخت، چند ماه این گونه مجادلات بسیار بود. دومینیک پرهو و گروهی با سرپرستی شایسته دومینیک ژمو<sup>۳۴</sup> به طور خستگی‌ناپذیری به حمایت و تشریح طرح پرداختند و از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ همان‌طور که ساخت بنا ادامه داشت، برنامه بازدیدهای سازمان یافته‌ای از طرح تنظیم شد. سرانجام جر و بحث‌های پر سر و صدا آرام شد و راهی برای مباحثه‌های آرام بر روی چگونگی سازگار کردن بنای جدید با عملکردهای آتی آن به وجود آمد.

آخرین قدم به طرح افتتاحی با آرامش در ژانویه ۱۹۹۴ برداشته شد. با آفرینش کتابخانه ملی فرانسه، مؤسسه جدید مشتمل بر بناهایی در خیابان ریشولیو و تولبیاک است. هر دو محل تحت مدیریت ژان فویه<sup>۳۵</sup> کسی که وظیفه‌اش شرح سیاست‌های متداول بود، می‌باشد. بنابراین نه تنها هماهنگی و یکپارچگی بین این محل‌ها، بلکه استمرار بین قرن‌ها دوباره برقرار شده بود.

سرانجام این دو محل اصلی کتابخانه ملی فرانسه تجهیزات و منابعی را در اختیار خواهد داشت که سزاوار وجه تاریخی و مجموعه‌های پربار آن است. با توجه به هدف بنیادی کتابخانه ملی، رسوم سنتی به موازات آخرین فن‌آوری‌ها حمایت خواهد شد. شکل جدید کتابخانه ملی ممکن است به راستی ستایشی را که یک بار توسط ولتر بی‌مضایقه در مورد کتابخانه سلطنتی عنوان شده بود، زنده کند: «یکی از شکوهمندترین مؤسسات عالم». وی همچنین گفت: «هرگز هزینه‌ای چنین هنگفت و پرفایده صورت نپذیرفته است.» □

پانوش‌ها:

1. Tolbiac 2. Philippe BÉlaval 3. Charles V 4. Rue de Richelieu 5. Bibliothèque Nationale de France

32. Jack Lang 33. Dominique Perrault 34. Dominique Jamot 6. Carolingian IX 7. Louis 8. Louvre 9. Statute of Montpellier 10. Francois I's 11. Robert Estienne 12. Loire Valley 13. Latin Quarter 14. Jean - Baptiste Colbert 15. Vivienne 16. Abbé Jeab - Paul Bignon 17. Palais Mazarin 18. Mansart 19. Robert de Cotte 20. Jules - Robert 21. Sainte - Chapelle 22. Sainte - Denis 23. Joseph Van Praet 24. Prosper Mérimée 25. de Cottes 26. Henri Labrousse 27. Leopold Delisle 28. Julien Cain 29. Rue Louvois 30. Oval room 31. Emmanuel Le Roy Ladurie